



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوال شده که شما فرمودید باید ترکه را در یک مرحله تقسیم کرد و حال آنکه در برخی صور که ترکه بیشتر از سهام است اینطور نیست، مثلاً مسئله ای اینطور فرض شد که شخصی از دنیا رفته در حالی که پدر و مادر و یک دختر دارد، در اینجا چونکه میت اولاد دارد پدر سلس می برد و مادر نیز چون حاجب دارد سلس می برد و سهم دختر نصف می باشد، دو مخرج ۶ و یک مخرج ۲ داریم، چون دو مخرج ۶ با هم متمثلین هستند یکی کنار می رود و یک مخرج ۲ و یک مخرج ۶ باقی می ماند و چون ۲ در ۶ داخل است ۶ را أخذ می کنیم پس ترکه را به ۶ قسم تقسیم می کنیم و بعد سه ششم بنت واحده و یک ششم پدر و یک ششم مادر می برد و یک ششم نیز اضافه می آید و این یک ششم را چونکه مادر حاجب دارد بین پدر و دختر ارباعاً تقسیم می کنیم یعنی طبق سهامشان (۳ سهم بنت واحده و ۱ سهم پدر) باید سه ربع به دختر و یک ربع به پدر بدهیم به این صورت که ۴ که جمع سهام دختر و پدر است را در ۶ که فریضه اولیه است ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۲۴ و بعد سه چهارم از ۲۴ یعنی ۱۸ سهم برای دختر و یک چهارم از ۲۴ یعنی ۶ سهم برای پدر می باشد و تقسیم درست می شود، علی ای حال ما که گفتیم باید ترکه یک دفعه تقسیم شود منظورمان این است که باید تقسیم را طوری ترتیب بدهیم که دیگر چیزی به ورثه ندهیم که برونند ما بین خودشان تقسیم کنند و دیگر نگفتیم حتماً تقسیم یک مرحله ای است و قبلاً نیز خواندیم که گاهی بعد از تقسیم ترکه بر اساس فروض مقدره فی کتاب الله کسر لازم می آید که ما ناچاریم خودمان یک مرحله دیگر ایجاد کنیم تا کسر بر طرف شود.

خب و اما بحث دیروزمان در طبقه دوم ارث یعنی إخوه و اجداد بود و عرض کریم در اینجا ما بین ما وعامه اختلاف

بزرگی وجود دارد، عامه با بودن جد به إخوه ارث نمی دهند ولی ما می گوئیم إخوه و اجداد هر دو از طبقه دوم هستند. نقل اقوال:

شیخ طوسی رحمة الله علیه در خلاف فرموده: «مسألة ۹۷: الإخوة من الأم مع الجد للأب، يأخذون نصيبهم الثلث المفروض، و الباقي للجد. و خالف جميع الفقهاء (عامه) في ذلك و قالوا: المال للجد و يسقطون.

دلیلنا: إجماع الفرقة.

و أيضا قوله تعالى: "وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ، فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ" و لم يفرق، فمن أسقطهم مع الجد فقد خالف نص القرآن.^۱

روایات:

اخبار مربوط به این مسئله در باب ۶ از ابواب إخوه و اجداد ذکر شده که در صفحه ۴۸۸ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است و عنوان باب این است که: «باب ۶: أن الجد مع الإخوة كالأخ والجدة كالأخت فيتساويان إذا اجتمعا وكذا إذا تعددا، وإن اختلفوا لأب أو أوبين فللذكر مثل حظ الأنثيين».

صاحب وسائل ابتدا چند خبر از صدوق و بعد چند خبر از کلینی و در پایان چند خبر از تهذیب شیخ طوسی نقل کرده.

اول: «محمد بن علي بن الحسين باسناده عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن أخ لأب وجد قال: المال بينهما سواء.»^۲

شیخ این خبر را از کتب أخذ کرده، عبدالله بن سنان مقام بسیار بالائی دارد و از اصحاب ائمه علیهم السلام است و با اذن ائمه علیهم السلام در دربار بنی عباس خازن بوده و در طبقه ۵ است و در سند بیش از ۱۰۰۰ حدیث واقع شده.

دوم: «وعنه عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن رجل ترك إخوة وأخوات لأب وأم وحدا، قال: الجد كواحد من الإخوة المال بينهم للذكر مثل حظ الأنثيين.»^۳

^۱ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۸۸، مسئله ۹۷.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۸، ابواب إخوه و اجداد، باب ۶، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و اجداد، باب ۶، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

ارائه می دادند لذا خبر ۲۱ و ۲۲ از صحیفه الفرائض می باشند.

نهم: ﴿وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن علي بن أسباط عن محمد بن حمران، عن زرارة قال: أراني أبو عبد الله عليه السلام صحيفة الفرائض فإذا فيها: لا ينقص الجد من السدس شيئاً ورأيت سهم الجد فيها مثبتاً.﴾^{۱۰}

دهم: ﴿وروى الحسن بن أبي عقيل في كتابه على ما نقل عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله أملى على أمير المؤمنين عليه السلام في صحيفة الفرائض أن الجدة مع الإخوة يرث حيث ترث الإخوة ويسقط حيث تسقط، وكذلك الجدة أخت مع الأخوات ترث حيث يرثن وتسقط حيث يسقطن.﴾^{۱۱}

یکی از مسائل مهمی که در فقه باید به آن توجه داشته باشیم این است که عامه چه می گویند و آیت الله العظمی آقای بروجردی همینگونه بودند و در واقع ایشان یک تحولی بوجود آوردند و در هر مسئله ای سیر تاریخی آن مسئله را تا زمان ما ذکر می کردند و در مانحن فيه نیز باید توجه داشته باشیم که عامه قائلند با بودن جد و جده دیگر آخ و أخت ارث نمی برند ولی ائمه علیهم السلام فرمودند آخ و أخت با جد و جده در یک طبقه قرار دارند و با هم ارث می برند.

در بحثمان به سه کتاب باید مراجعه کنیم تا با اقوال عامه آشنا بشویم؛ اول "خلاف" شیخ طوسی جلد ۴، دوم "بداية المجتهد و نهاية المقتصد" تالیف ابن رشد اندلسی جلد ۲ و "الفقه علی المذاهب الخمسة" تالیف محمد جواد مغنیه. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

سوم: ﴿وعنه عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان علي عليه السلام يورث الأخ من الأب مع الجد ينزله بمنزلته.﴾^۴

چهارم: ﴿وباسناده عن عمر بن أذينة، عن زرارة وبكير ومحمد بن مسلم والفضل وبريد بن معاوية، عن أحدهما عليهما السلام أن الجدة مع الإخوة من الأب مثل واحد من الإخوة.﴾^۵

پنجم: ﴿وباسناده عن حماد، عن حريز، عن حماد أو غيره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الجد شريك الإخوة وحظه مثل حظ أحدهم ما بلغوا أكثر أو أقلوا.﴾^۶

ششم: ﴿وباسناده عن محمد بن الوليد، عن حماد بن عثمان، عن إسماعيل الجعفي قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: الجد يقاسم الإخوة ولو كانوا مائة ألف.﴾^۷

هفتم: ﴿وباسناده عن الفضل بن شاذان، عن فراش (سنی می باشد)، عن الشعبي، عن ابن عباس أنه قال: كتب إلى علي بن أبي طالب عليه السلام في ستة إخوة وجد أن اجعله كأحدهم وامح كتابي، فجعله علي عليه السلام سابعا معهم وقوله: وامح كتابي كره أن يشنع عليه بالخلاف علي من تقدمه.﴾^۸

هشتم: ﴿وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب، عن أبي عبيدة، عن أبي جعفر عليه السلام في رجل مات، وترك امرأته وأخته وجدته، قال: هذه من أربعة أسهم للمرأة الربع، وللأخت سهم، وللجد سهمان. ورواه الصدوق باسناده عن الحسن بن محبوب وكذا الشيخ. ورواه الشيخ أيضا باسناده عن أحمد بن محمد مثله.﴾^۹

خب واما مطلب دیگر این است که در جائی که بین ما و عامه اختلاف شدیدی بوده ائمه علیهم السلام صحیفه الفرائض را

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۴، ط الاسلامیة.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۵، ط الاسلامیة.

^۷ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۶، ط الاسلامیة.

وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۸، ط الاسلامیة.

^۸ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۹، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۸، ط الاسلامیة.

^۹ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۰، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۱۰، ط الاسلامیة.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

^{۱۰} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۳، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۲۱، ط الاسلامیة.

^{۱۱} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۳، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۲۲، ط الاسلامیة.